

روایتی از زندگی هنری میرزامحمدباقر، نخستین نقاش باشی آستان قدس

نگارگری های «کمال التولیه» در ارض اقدس

مرضیه ترابی/ استفاده از هنر نقاشی در تزئین مکان ها، سابقه ای به عمر حیات بشر بر روی کره خاکی دارد. افزون بر نشانه های باستان ناشی که این موضوع را تأیید می کند، برخی روایت های دینی مانیز به استفاده از این هنر در دوران حکومت پیامبرانی مانند حضرت سلیمان^(ع) اشاره می کند. این هنر اصیل که برپایه طراحی و استفاده مؤثر از رنگ بنا شده، به نوعی، جلوه احساسات هنرمند در مورد موضوعات گوناگون و ازجمله امور معنوی و الهی است. طبعاً در حرم مطهر رضوی هم، استفاده از این هنر برای زیباسازی فضا، افزودن بر جلوه معنوی آن، از دیرباز رواج داشته است؛ هرچند که نشانه های تاریخی و شواهد موجود از به کارگیری نقاشی برای تزئین ابنیه حرم رضوی، از اواخر دوره ایلخانی به این سو اشاره می کند، اما به احتمال زیاد بهره مندی از این هنر پیش از این تاریخ نیز، در توسعه عمرانی اماکن متبرکه، مدنظر و مورد استفاده بوده است.

در دوره صفویه، به دلیل وجود اسناد و منابع قابل مطالعه، به نام هنرمندان معتبری برمی خوریم که نقشی محوری در تزئین دیوارها و سقف های حرم رضوی با استفاده از هنر نقاشی دارند؛ «آقاحسن نقاش» یکی از این افراد است که طبق گزارش میرمنشی قمی در کتاب «گلستان هنر»، در دوره شاه تهماسب یکم صفوی، زیرکنبند اصلی حرم مطهر رضوی را نقاشی کرد.

اوقدیمی ترین نقاشی است که به فعالیتش در حرم رضوی اشاره شده است. پس از آقاحسن و در دوره صفویه به نام هایی مانند استاد اسماعیل نقاش، استاد یادگار نقاش، استاد محمدزمان نقاش، استاد نجف بیگ نقاش، استاد مقیم نقاش، اسماعیل خان اصفهانی و استاد رمضانعلی نقاش برمی خوریم که هنر دستشان در حرم امام هشتم^(ع)، چشم ها را خیره می کرد و نام آن ها در اسناد موجود خودنمایی می کند. در دوره افشاریه و سپس در دوره قاجاریه نیز، نام های بزرگی به چشم می خورند. اما شاید از نظر کثرت کار و گزارش های موجود، کسی نتواند با میرزامحمدباقر نقاش باشی، ملقب به «کمال التولیه»، رقابت کند؛ او نخستین «نقاش باشی»، رسمی آستان قدس و دستمایه نگارش این گزارش تاریخی است.

- نخستین مدیر هنری اماکن متبرکه

قدیمی ترین نشانه و گزارش درباره میرزامحمدباقر در متن «نفوس ارض اقدس»، اولین سرشماری شهر مشهد در دوره ناصرالدین شاه قاجار(۱۲۵۷ خورشیدی)، به چشم می خورد. او را در آن سال با عنوان «حاجی محمدباقر» و در زمره دربانان حرم رضوی و حرفه اش را «نقاش زرگر» ذکر کرده اند.

زین العابدین میرزای قاجار نام کمال التولیه را در زمره ساکنان محله سراب و در ردیف اغنیا ذکر می کند. این گزارش درکنار حاجی بودن میرزامحمدباقر، نشان می دهد که او خاندانی متمول داشته و در یکی از بهترین نقاط شهر ساکن بوده است. با توجه به موروثی بودن خدمت در حرم مطهر رضوی، به احتمال زیاد خاندان کمال التولیه برای چند نسل، از خادمان آستان قدس بوده اند. به هر ترتیب، او از ابتدا به شغل نقاشی در حرم رضوی اشتغال نداشته و گمان می رود که در میان سالی به این کار گمارده شده است.

این فعالیت ها، مطابق آنچه در اسناد دیده می شود و به نظر می رسد، از حدود سال ۱۲۴۱هجری قمری(۱۲۶۲ خورشیدی) آغاز شده و به تدریج، توسعه پیدا کرده است. فعالیت های حاجی میرزامحمدباقر که باعث جلب نظر اولیای امر شده بود، نهایتاً به اعطای لقب «کمال التولیه» به او می انجامید.

این اتفاق در دوره متولیگری میرزامحمودخان کاخ موزه گلستان، «دو تصویر خاص از یک بنای تاریخی وجود دارد که شاید اگر عکاس زیر تصویر نام مکان را ننوشته بود، تشخیص اسم بنا سخت می شد. این عکس ها که احتمالاً عبید... قاجار آن ها را گرفته باشد، بنایی تاریخی با گنبدی «مضرس» را نشان می دهد که شباهت بسیار زیادی به مزار یعقوب لیث صفاری در درفول دارد. اما قطعاً بنای مقبره این فرمانروای مشهور قرون اولیه اسلامی نیست.

عنوانی که ذیل عکس دیده می شود، گنبد حضرت زبیده» است. اما این «حضرت زبیده» کیست؟ فهم این مسئله حتی برای پژوهشگران به سادگی امکان ندارد. مقبره ای که مشاهده می کنید، در گورستانی قدیمی واقع در محله «کرخ» بغداد قرار دارد و برخی ها به آن مقبره «زمرد خاتون» هم می گویند. به باور اهالی بغداد، این احتمال وجود دارد که قبر مذکور به زبیده، دختر منصور دوانیقی (دومین خلیفه عباسی)، همسر هارون الرشید و مادر «محمد امین»، بانوی مقتدر دربار خلفای عباسی، تعلّق داشته باشد. این روایت، البته چندان صحیح نیست؛ زیرا طبق گزارش منابعی مانند «الکامل فی التاریخ»، مزار بانوی مذکور در «مقابر قریش» جایی که امروز حرم مطهر

کشف تاریخ

تراپی/ در آلبوم ۱۲۴۲، از مجموعه آلبوم های کاخ موزه گلستان، «دو تصویر خاص از یک بنای تاریخی وجود دارد که شاید اگر عکاس زیر تصویر نام مکان را ننوشته بود، تشخیص اسم بنا سخت می شد. این عکس ها که احتمالاً عبید... قاجار آن ها را گرفته باشد، بنایی تاریخی با گنبدی «مضرس» را نشان می دهد که شباهت بسیار زیادی به مزار یعقوب لیث صفاری در درفول دارد. اما قطعاً بنای مقبره این فرمانروای مشهور قرون اولیه اسلامی نیست.

عنوانی که ذیل عکس دیده می شود، گنبد حضرت زبیده» است. اما این «حضرت زبیده» کیست؟ فهم این مسئله حتی برای پژوهشگران به سادگی امکان ندارد. مقبره ای که مشاهده می کنید، در گورستانی قدیمی واقع در محله «کرخ» بغداد قرار دارد و برخی ها به آن مقبره «زمرد خاتون» هم می گویند. به باور اهالی بغداد، این احتمال وجود دارد که قبر مذکور به زبیده، دختر منصور دوانیقی (دومین خلیفه عباسی)، همسر هارون الرشید و مادر «محمد امین»، بانوی مقتدر دربار خلفای عباسی، تعلّق داشته باشد. این روایت، البته چندان صحیح نیست؛ زیرا طبق گزارش منابعی مانند «الکامل فی التاریخ»، مزار بانوی مذکور در «مقابر قریش» جایی که امروز حرم مطهر

سی تومان نقد و پنج خروار جنس و یک مجموعه شام و یک مجموعه نهار را از بابت هزار و پانصد تومان اضافه به خرج آورده و پنج خروار جنس را محل مشخص شود فرمان مبارک صادر نمی آید که بعد از تشرف ماهانه متبرکه مقدسه به مشارالیه داده شود.» (سند۴۱۲۶۸ مرکز اسناد آستان قدس رضوی).

اعطای لقب کمال التولیه، به احتمال باعث ارتقای جایگاه مدیریتی میرزامحمدباقر نقاش باشی هم شده است. طبق نظر نویسندگان کتاب «اسنادی از نقاشان ابنیه آستان قدس رضوی»، به احتمال در این زمان، یعنی حدود چهارده سال بعد از ورود میرزامحمدباقر، روی به چنان سطح و جایگاهی در هنر رسیده بود که بتواند مدیریت نقاشان حرم مطهر را هم برعهده داشته باشد.

طبق سندی مربوط به همان سال ۱۲۱۵هجری قمری، برای کمال التولیه در صحن عتیق، حجره ای درنظر گرفته بودند. (سند۱۲۲۷۲ مرکز اسناد آستان قدس رضوی) و این نشان از اهمیت فعالیت نقاشان در حرم رضوی در این دوره دارد که باعث می شد مکانی برای تمرکز مدیریتی آن ها درنظر گرفته شود. سند دیگری در دست است که نشان می دهد میرزامحمدباقر سلیقه فراوان به خرج داده و حجره نقاشان را در صحن عتیق به دست خودش و با هنر نقاشی، تزئین کرده است.

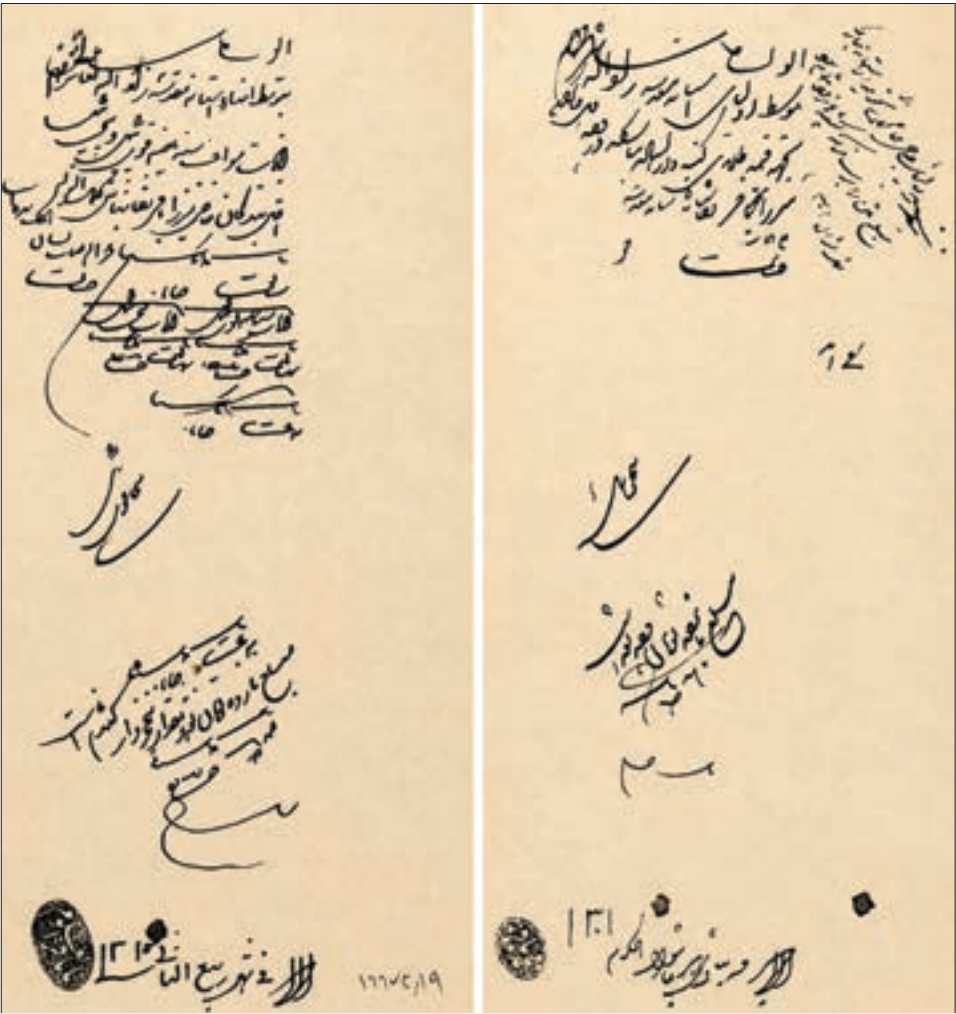
- فعالیت های هنری در حرم امام رضا^(ع)

اسناد موجود به خوبی حوزه فعالیت های هنری کمال التولیه را در حرم رضوی نشان می دهند. اودر سال ۱۲۴۱هجری قمری کتیبه های رواق دارالسیاده را تزئین کرده و در سال ۱۲۴۶هجری قمری به تعمیر، لکه گیری و نقاشی سقف رواق دارالضیافه پرداخته که به نظر، کاری سنگین و وقت گیر بوده است.



امام کاظم^(ع) و امام جواد^(ع) در آن قرار گرفته است، واقع بود. شهرت زیاد این مسئله باعث شده است دیگر نظرات درباره این مقبره قدیمی نادیده گرفته شود، درحالی که شاید کمتر کسی به الگوی معماری بنا توجه داشته باشد؛ الگویی که میراث دوره سلجوقی و تا حدودی عصر خوارزمشاهی است. بر همین اساس، به باور تعداد معدودی از پژوهشگران، مزار مشهور به گنبد حضرت زبیده، درواقع مقبره «زبیده خاتون»، دختر «برکیارق» فرمانروای دودمان سلجوقی،

است که در سال ۵۳۲هجری قمری دار فانی را وداع گفت. می دانیم که سلجوقیان، به ویژه در دوره ملک شاه، سودای تسلط بر همه ممالک اسلامی را داشتند و حتی ملک شاه، دختر خود را به عقد خلیفه عباسی درآورد تا خلیفه بعدی، خون دودمان سلجوقی را در گمبایش داشته باشد، بنابراین وجود مقبره شاهزاده خانمی از دودمان سلجوقی در بغداد، چندان دور از انتظار نیست. با این حال، گزارش های تاریخی ادعای انتساب مقبره به زبیده خاتون، دختر برکیارق، را هم



دو سند از فعالیت های کمال التولیه در حرم رضوی

فروش رسید؛ قاب آینه ای که در بالای آن حک شده بود؛ «کمترین اقل الحاج میرزامحمدباقر مذهب باشی نقاش باشی آستان قدس ۱۲۱۴».

بنابراین، میرزامحمدباقر کمال التولیه، نه فقط مدیر و رئیس نقاشان حرم رضوی، بلکه سرآمد تذهیب کاران آن دوران شهر مشهد و آبروی تاریخ هنر این شهر در عصر قاجار بوده است.

- پایان کار

کمال التولیه به احتمال در سال ۱۲۱۸هجری قمری(۱۲۷۹ خورشیدی)، در میانه دوره مظفرالدین شاه قاجار دار فانی را وداع می گوید و چنان که مرسوم بوده، در حرم رضوی به خاک سپرده می شود؛ هرچند که از مکان دفن او اکنون اطلاعی در دست نیست. اودختری به نام «بی بی آغا» داشته که تا چند سال بعد از درگذشت پدرش، از مستمری و مواجب آستان قدس بهره مند بوده است. برابر اسناد برجای مانده، این پرداختی ها تا دوره پهلوی هم ادامه داشته است.

در سند شماره ۴۵۲۰۶ موجود در مرکز اسناد آستان قدس رضوی به نام «بی بی آغای جهانبخش مهدی، صبیبه مرحوم کمال التولیه» اشاره شده که در آن سال، ۳۶ تومان مستمری دریافت کرده است.

به نظر می رسد فرزند کمال التولیه بعد از اجباری شدن استفاده از نام خانوادگی، از فامیل «جهانبخش مهدی» به عنوان نام فامیل استفاده می کرده است. این سند مربوط به سال ۱۳۱۱ خورشیدی است و پس از آن، نشانی از دریافت مستمری توسط دختر کمال التولیه وجود ندارد. می توان احتمال داد که او در همین سال درگذشته باشد.

- سرآمد تذهیب کاران

نکته جالب توجهی که باید درباره حاجی میرزامحمدباقر نقاش باشی بدانیم، این است که فعالیت های هنری او به نقاشی ابنیه محدود نمی شده و در تذهیب و نگارگری مربوط به اشیا، کتاب ها و اسناد هم ید طولایی داشته است. به همین دلیل در برخی اسناد از او با نام «مذهب باشی» هم یاد شده که نشان دهنده شغل اصلی وی یعنی «نقاش زرگر» است.

در سال ۱۹۷۶ میلادی (۱۳۵۵ خورشیدی) قاب آینه ای که با استادی تمام کمال التولیه تزئین شده بود، در حراجی «ساتی» لندن به

اخبار قدیمی

خبری درباره تظلم خواهی آقای بهار در محرم ۱۰۰ سال پیش

حاجی خان و کتک زدن مرد باربر



گروه تاریخ و هویت| آمدن محرم فقط شروع عزاداری برای سرور و سالار شهیدان و یاران مظلومش نیست؛ عزاداری زیر سقف یک تکیه یا گریه کردن زیر یک علم و سینه زدن یا یک نوحه، هرجای جهان که باشد، آدم ها را باهم مهربان تر می کند و این مهربانی، شیوه و سرشت امام حسین^(ع) بوده است و در این میان، تنها یک گروه هستند که این الفت قلب در آن ها کارگر نمی افتد؛ همان ها که شکمشان با نان حرام پر شده است و این عین عبارت امام^(ع) در دشت نینواست وقتی مقابل سپاه اشقیا ایستاد و گفت کلام خدا در شما اثر نمی کند؛ زیرا شکم هایتان از مال حرام پر است.

اغلب حکام و خوانین ولایات مختلف ایران در دوره پهلوی اول رامی توان مصداق این جمله دانست؛ زیرا در اکثر اخبار چاپ شده در مطبوعات این دوره، می توان ردونشان ظلم و ستم آنان را بر مردم گرفتار در ظلم و جورشان دید. یکی از این اخبار را می توان در روزنامه «بهار» شهریور ۱۳۰۷ خورشیدی که ازقضا مصادف با ایام محرم بوده است، دید.

ماجر از طلب رعیتی از یکی از خوانین قوچان شروع می شود؛ ماجرای که خبرنگار روزنامه بهار خود شاهدان بوده است. لذا در گزارشی که با تیتر «واقعات غیرمنتظره» چاپ شده است، چنین توضیح می دهد: «در پانزدهم ماه محرم که بنده در چکنه بودم، در منزل حضور داشتم که دیدم عده زیادی از رعایا آمده اند با حال گریان و شخصی را هم روی دست می آورند. پس از بردن آن مظلوم به اداره مالیه، معلوم شد که حاجی خان نامی آن شخص را زخم زده است و موضوع مرافعه این بوده که حاجی خان، مبلغ «اتومان از آن شخص طلبکار بوده است. پس رفته و مطالبه طلب نموده اما آن شخص (فرد زخم خورده) در جواب گفته که من باری دارم، می روم قوچان و در مراجعت می پردازم.»

برابر این خبر، حاجی خان گویا در ابتدا می پذیرد که فرد بدهکار، بارش را به قوچان ببرد و در وقت برگشت، قرضش را پس دهد اما چنین نمی شود. او به خانه می رود اما به دو نفر از نوکرانش دستور می دهد که بروند و فرد بدهکار را دست بسته به خانه اش ببرند، «حاجی خان می رود منزل و دونفر می فرستدان شخص را می آورند در منزل شخصی خود و به قرار واقع کتک می زنند. مردم جمع شده، داخل منزل می شوند، می بینند که دو پسر حاجی خان آن شخص را گرفته اند و پدر هم می زند. در این بین است که مردم به صدا درمی آیند. حاجی خان می دود داخل اندرونی و کاردی می آورد و چند ضربتی به آن شخص می زند و می گوید حال برو، اما پیش از رفتن، آن «اتومان قرض را هم از بیچاره می گیرد».

در ادامه، مرد کتک خورده، رابرای شکایت پیش رئیس مالیه که گویا بزرگ ترین منسب در چکنه بوده، می برند. آقای رئیس بدون اینکه به حرف های مرد کتک خورده گوش دهد، می گوید که رسیدگی به این شکایت به او مربوط نیست و باید شاکی به عدلیه عارض شود. برای همین مردم شبانه، بدهکار کتک خورده را به قوچان می برند؛ چون اداره عدلیه در آنجا بوده است. خبرنگار جریده بهار با مردم به قوچان نمی رود اما مواقع را آن طور که آنان گفته اند، بیان می کند؛ «رعایا با حال گریه، آن شخص را شبانه بردند به قوچان. سه روز بعد از آن ماجرا، دو نفر امنیه آمدند در چکنه سرولایت و مدت هفت هشت روزی در منزل حاجی خان و خود حاجی خان هم بود.»

خوردن و خوابیدن امنیه چی ها البته به ضرر حاجی خان تمام نمی شود؛ زیرا آنان در این مدت، زمینه فرار او را مهیا می کنند. خبرنگار جریده بهار در ادامه، می نویسد: «یک دفعه خبر آمد که حاجی خان فرار کرده است. فردایش هم از قوچان اطلاع دادند که موضوع خاتمه پیدا کرده است. پس از تحقیق معلوم شد که حاجی خان مبلغ سی یا چهل تومان به امنیه چی ها داده و خود را راحت نموده است. در صورتی که شخص عارض ناخوش به حال مرگ افتاده بوده و دادو فریادش در تمام قوچان و سرولایت، پیچیده شده بود و هیچ کس به عرایض او وقعی نمی گذاشت.» او در ادامه توضیح می دهد که حاجی خان برای خودش در چکنه، قدر قدرتی است و حتی در خانه اش، زندان دارد و مردم معترض را حبس می کند؛ «بلی، آقای حاجی خان در چکنه، خود حکومت است. در منزل دارای محبس شخصی می باشد و به هر قسم که بخواهد، با رعیت بیچاره رفتار می نماید.» نکته جالب اینکه درست است که آقای ملک الشعرا ی بهار مدیر روزنامه بهار، این گزارش را به صراحت چاپ می کند تا فریاد حمایت از مظلوم سر دهد اما در پایان این خبر با اندکی محافظه کاری چنین می گوید، «البته مدرکی برای اینکه مأموران امنیه وجهی گرفته باشند، نداریم ولی نمی توانیم بگوییم شروع یک چنین قضیه جنائی و سکوت مأمورین از روی سادگی بوده است، بنابراین منتظریم آقای رئیس محترم امنیه شرق و فرمانده فوج ۱۱ تحقیقات عمیق در این قضیه نموده و در صورت صدق ماجرا، مأمورین را تنبیه فرمایند.»

تاریخ نگار

سرگذشت یک شاه ناکام



گروه تاریخ وهویت| تصویری که می بینید، نقاشی چهره لوثی دوم، پادشاه مجارستان، است که در تاریخ از او به عنوان یکی از پادشاهان ناکام یاد می شود. شاید پیرسید چرا، جالب است بدانید که لوثی دوم در سال ۱۵۰۶ میلادی به صورت یک نوزاد نارس به دنیا آمد. دربار ناچار شد برای حفظ جان او درسال های زیادی تعداد بی شماری نوزاد را بکشد؛ زیرا طبق بیان آن دوران تجویز کرده بودند که برای گرم نگه داشتن بدن او، باید نوزاد را در لاشه های گرم و خون تازه حیوانات نگهداری کنند. در ادامه حیات تا بیست سال بعد، این ولیعهد را با طوق گوناگون زنده نگه داشتند اما در نهایت به سال ۱۵۲۶ میلادی با حمله عثمانی به مجارستان، لوثی دوم پس از یک شکست سخت، وقتی فقط بیست سال داشت، موقع فرار در رودخانه دانوب غرق شد.